

فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۴، شماره ۵۳، پاییز ۱۴۰۱، صص ۴۰۲-۴۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۶

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.1946541.2371](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1946541.2371)

شگردهای تأثیرپذیری سیدحسن حسینی از قرآن کریم

حسن قاسم‌زاده ابلی^۱، دکتر خدابخش اسداللهی^۲، دکتر محمدرضا شاد منامن^۳

چکیده

مطالعه آثار ادبی از منظر تأثیر و تأثر، رهیافتی در جهت کشف و شناخت بینامتنی است؛ شناختی که برجستگی طرز، و سیاق پیروی هنرمند را آشکار می‌سازد. بهره‌گیری متنوع سیدحسن حسینی، از قرآن کریم، بیانگر آشنایی او با شگردهای مختلف تأثیرپذیری است. حسینی در استفاده از قرآن کریم، علاوه بر تأثیرپذیری به شگردهای مختلف، دارای نوآوری و انسجام فکری بوده و واژه‌سازی و آوردن ترکیبات تازه، از ویژگی‌های بارز اشعار قرآنی به شمار می‌آید. حسینی با نوآوری در زبان، آن را غنا بخشیده، و با به‌کارگیری واژه‌های آشنا در بعدی تازه از ساختار جمله، معنای جدیدی به آن داده است. واژه‌ها و عبارات در شعر حسینی، ابزاری برای بیان اندیشه به‌شمار می‌آید و هدف او، القای مفاهیم متعالی است؛ به تبع آن، بهره‌گیری از قرآن کریم، علاوه بر جنبه هنری و بلاغی آن، در جهت اثبات عقیده، بیان احوال درونی، تقدس بخشیدن به سروده خویش است. حسینی از اثرپذیری تلمیحی بیشترین بهره را گرفته است. این پژوهش با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، سیدحسن حسینی، اثرپذیری تلمیح، ترجمه، درج.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

hasanghasemzadehebli@gmail.com

^۲ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسؤل)

kh.asadollahi@gmail.com

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

m.shad@aukh.ac.ir



مقدمه

شعر فارسی در طول ادوار مختلف، همواره تحت تأثیر ادبیات غنی اسلامی و در رأس آن قرآن بوده است. از قرن ششم به بعد، به‌ویژه با ظهور ادب عرفانی، شاعران ایرانی، بخش عمده‌ای از اندیشه‌های خود را از قرآن وام گرفتند و حتی شاعرانی همچون مولوی، در ساختار مثنوی معنوی خویش بر قرآن کریم توجه داشته‌اند. در دوره معاصر نیز، به‌ویژه با پیدایش شعر آیینی و پایداری، اندیشه و ساختار قرآنی بخشی مهمی از بافت کلام شاعران را تشکیل داده است. ضرورت این پژوهش، لزوم شناسایی شگردهای بهره‌گیری سیدحسن حسینی از قرآن کریم است؛ به این دلیل که جنبه قرآنی شعر حسینی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ ولی در پژوهش‌ها چندان مورد توجه قرار نگرفته است؛ در حالی که با توغل در شعر حسینی، می‌توان به آشنایی حسینی با قرآن کریم و مهارت او در بهره‌گیری از این کتاب مقدس پی برد؛ لذا هدف اصلی از این پژوهش، بررسی شگردهای مختلف بهره‌گیری از قرآن کریم است و با توجه به عناصری همچون تضمین، تلمیح، درج، حل، اشاره و ... به بررسی و مقایسه کارکرد این عناصر پرداخته می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که حسینی، از سویی، با طرح مفاهیم و مضامین قرآنی در پی اثبات حقانیت اندیشه خویش است و طرح اندیشه‌ها و افکار با بهره‌گیری از واژگان و عبارات قرآنی، بیانگر بینش عمیق و نفوذ زبان قرآنی در ذهن حسینی است که این موضوع را می‌توان به وفور در بافت کلام حسینی دید و سبک فکری حسینی بدین شیوه است که او از مفاهیم قرآنی برای آفرینش مضمون جدید استفاده کرده است. و از سویی دیگر، بهره‌گیری از واژه‌های فارسی معادل واژه‌های قرآنی، علاوه بر تفکر قرآنی شاعر، بیانگر توانایی او در پارسی‌سازی و تقویت زبان پارسی است و این ویژگی (واژه‌سازی)، از نوآوری‌های قرآنی حسینی، است که بر پایه واژه یا داستان قرآنی ساخته می‌شود. حسینی، در برخی از موارد، از ساختار فارسی واژگان قرآنی استفاده کرده است و با بهره‌گیری از این روش، علاوه بر ایجاد پویایی در ذهن قرآنی مخاطب، بر جنبه بلاغی و زیباشناختی واژه‌ها نیز نظر داشته است و واژه‌های قرآنی مطرح در شعر حسینی، اغلب تداعی‌گر مفهوم و تصویری فراتر از واژه است و به حادثه‌ای ذهنی یا گنشی خاص اشاره دارد که مخاطب با اوصاف و چگونگی آن آشنایی دارد؛ همچنین، می‌توان گفت که زیبایی و لذت کاربرد آرایه‌های قرآنی، بر کلام حسینی تأثیر عمیق‌تری می‌گذارد و در

برانگیختن عواطف مخاطب نقش به‌سزایی دارد که طرح و بررسی این موارد نیز می‌تواند بیانگر اوج ارزش‌های هنری اشعار قرآنی حسینی شود.

روش تحقیق

این مطالعه، بر اساس منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است و برای دستیابی به هدف تحقیق، اطلاعات مورد نیاز پس از مراجعه به محتوای منابع و مآخذ مرتبط با موضوع تحقیق که در قالب کتاب و مقالات علمی انتشار یافته بودند، با روش سندکاوی فیش‌برداری شده، و سپس شگردهای بهره‌گیری سیدحسن حسینی از قرآن کریم استخراج و مورد تحلیل قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

از مهم‌ترین کتاب‌هایی که در حوزه تأثیر قرآن در ادب فارسی نوشته است می‌توان به «در قلمرو آفتاب: مقدمه‌ای بر تأثیر قرآن و حدیث در ادب پارسی» (۱۳۷۵) از علی محمد موذنی، «تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی» (۱۳۷۱) از علی اصغر حلبی و «تجلی قرآن در شعر و ادب پارسی» (۱۳۷۹) از سیدمحمد راستگو اشاره کرد. با وجود این پژوهش‌ها، در هیچ پژوهشی به بررسی شگردهای بهره‌گیری سیدحسن حسینی از قرآن کریم پرداخته نشده است و صرفاً مقاله‌ای با عنوان «بینامتنی قرآنی در شعر سید حسن حسینی» (۱۳۹۳) که نویسندگان مقاله (موسی بیات و همکاران) به بررسی میزان تأثیر قرآن بر شعر سید حسن حسینی و بیان نوع تناسبات قرآنی در شعر وی پرداخته‌اند؛ براساس این پژوهش، بینامتنیت به سه شیوه لفظی، معنایی و اسلوبی در شعر حسینی به کار گرفته شده است؛ همچنین معصومه صادقی در مقاله «سبک‌شناسی لایه واژگانی سروده‌های پایدار سیدحسن حسینی» به بررسی تحلیل محتوا و فرم لایه واژگان سروده‌های سیدحسن حسینی پرداخته است و یافته‌های آن نشان می‌دهد که لایه مفهومی واژگان با بار معنایی دینی و حماسی، بیشترین کاربرد را در اشعار حسینی دارد تا جایی که حماسه‌های شاعرانه نیز، در خدمت زبان دینی درآمده و با آموزه‌های دینی مانند شهادت ترکیب شده و جنگاوری رزمندگان میهن به پرده تصویر کشیده شده است. بررسی لایه مفهومی شعر حسینی، از یک سو، هم‌آوایی و همراهی وی با جریان انقلاب اسلامی ایران را پدیدار می‌سازد و از سوی دیگر، نگاه هنر برای زندگی در سروده‌هایش را به مخاطب القا می‌کند.

مبانی تحقیق

قرآن کریم

قرآن، قلّه بلندی است که صاحبان والرأسخون فی العِلْم بر آن احاطه می‌یابند و خورشید روشن‌گری از حکم و گلدسته‌های هدایت است و همسایگان آن کسانی هستند که در آیه «فی بیوتِ اُذُنِ اللّهِ اَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» (نور/۳۶) اجازه داده شده است در خانه‌هایی مثل مساجد و خانه اولیای خدا تا آن بناها رفعت یابند و در آن ذکر خدا شود، سکنی گزیده‌اند. قرآن بارانی از ذکر که روشنی‌بخش قلوب تیره و تار غافلان و اضلالگر قلوب معاندان و تقویت‌کننده ایمان و خوف و خشیت به قلوب مومنان است (ر.ک: آقاهرانی: ۱۳۸۸: ۱۹).

«قرآن، کتاب دینی ماست. معانی و مفاهیم آن در طول چهارده قرن از جهات مختلف در حیات فردی و اجتماعی ما تأثیر پنهان و آشکار داشته است. امروزه نمی‌توان جنبه‌های گوناگون زندگی مسلمانان را یاد کرد که قرآن به شکل مستقیم یا غیرمستقیم در آن تأثیری نگذاشته باشد. چنان که هر مسلمانی چون می‌خواهد از خانه برون آید با نام خدا و ذکر «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» یا «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّهِ» بیرون می‌آید، در هر کاری به قرآن رجوع کرده، استخاره می‌کند. اگر دختر می‌دهد و می‌گیرد، سفر می‌کند، خانه می‌خرد و می‌فروشد، بازرگانی آغاز می‌کند، همین کار را انجام می‌دهد. یعنی به نحوی با خدا و کتاب خدا مشورت می‌کند. و هرکس در اینباره تأملی بسزا کرده باشد و عناد نورزد، به درستی این عقیده اقرار می‌کند. حدیث نیز که قول و فعل و تقریر پیامبر اکرم (ص) و معصومان دیگر برای ما شیعیان است، همین حکم را دارد. الفاظ و معانی آن به صورت‌های مختلف در زندگی مسلمانان و در گفتار و کردار آنان تأثیر نیرومند و درازآهنگی داشته است» (حلبی، ۱۳۸۶: ۱۱).

سیدحسن حسینی

سید حسن حسینی در ۱۳۳۵ ملقب به «سیدالشعراى انقلاب»، در محله سلسبیل تهران به دنیا آمد. وی لیسانس را در رشته تغذیه، کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته ادبیات فارسی گرفت و به زبان‌های عربی، ترکی و انگلیسی آشنایی داشت. حسینی بعد از وقوع انقلاب، به همراه دوستانش، حوزه هنر و اندیشه اسلامی را بنیانگذاری کرد و مسئولیت شعر و ادبیات آن را بر عهده گرفت. از سال ۶۷ در دانشگاه الزهرا تدریس را شروع کرد و سپس در رادیو مشغول به کار شد و بعد از شروع جنگ تحمیلی در رادیو ارتش به مسائل تبلیغی جنگ و

ابلاغ برخی پیام‌ها پرداخت. وی در سال ۱۳۸۳ درگذشت (ر.ک: نادمی، ۱۳۸۷: ۱۲-۱۳). از مهم‌ترین آثار او می‌توان اشاره کرد به:

هم‌صدا با حلق اسماعیل (این اثر از نخستین کتاب‌های حوزه ادبیات انقلاب اسلامی است که شامل مثنوی، غزل، رباعی، شعر نیمایی است)؛ حمام روح (ترجمه‌ای از گزیده آثار جبران خلیل جبران)؛ براده‌ها (مجموعه نظرات وی در مورد شعر، شاعر، هنر و ...)؛ گنجشک و جبرئیل (سی شعر نیمایی با موضوع عاشورا)؛ بیدل، سپهری و سبک هندی؛ مشت در نمای درشت؛ نگاهی به خویش؛ گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس؛ طلسم سنگ؛ نوشداروی طرح ژنریک؛ شقایق‌نامه؛ در ملکوت سکوت؛ از شرابه‌های روسری مادرم؛ سفرنامه گرد باد؛ تکلمه؛ تنها طرف آفتاب را گرفت.

شیوه‌های اثرپذیری

تضمین

در لغت به معنای گنج‌نایدن و در علم بدیع عبارت از این است که شاعر آیه یا حدیث یا مصراع یا بیتی از شعر شاعران یا نویسندگان را در سروده خود آورد و اگر آن سخن مشهور نباشد نام او را در سخن خود ذکر کند (ر.ک: حلبی، ۱۳۷۱: ۵۰).

تلمیح

شاعر «در این شیوه، گوینده سخن خویش را بر پایه نکته‌ای قرآنی یا روایی بنا می‌نهد؛ اما به عمد آن را با نشانه‌ای همراه می‌سازد و به این گونه خواننده اهل و آشنا را به آنچه خود بدان نظر داشته، راه می‌نماید، و چه بسا خواننده ناآشنا را به کندوکاو و پرس‌وجو وامی‌دارد و الزاماً باید حاوی و واجد نشانه‌ای برای تحریک ذهن مخاطب جهت رهیافت به آیه و حدیث مورد نظر باشد. معمولاً نشانه مورد نظر را از واژگان برجسته و آشنای آیه یا حدیث برمی‌گزینند» (راستگو، ۱۳۸۷: ۳۲). شاعران و نویسندگان به دلایل مختلفی ممکن است از تلمیح بهره گیرند؛ از جمله: بالا بردن خبر، اغراق، اشاره به حوادث تاریخی، معنی‌آفرینی، ایجاز و ... اما ذکر یک نکته لازم است و آن اینکه در تلمیح حداقل باید دو جز از یک قصه، حکایت یا موضوع بیان شده باشد تا ماهیتاً بتواند رنگ و بوی تلمیح بدهد (ر.ک: عربی، ۱۳۹۸: ۹۸).

درج

اگر در متنی نصّ آیه یا حدیث یا بیتی آورده شود، به آن درج گفته می‌شود (ر.ک: حلبی، ۱۳۷۱: ۵۹).

حل

در لغت به معنی باز کردن و گشودن و در اصطلاح اهل ادب، گرفتن الفاظی از قرآن کریم یا حدیث یا اشعار دیگر و خارج ساختن آن از صورت اصلی‌اش به شکل کامل یا ناقص است که به دلیل رعایت وزن صورت می‌گیرد (ر.ک: حلبی، ۱۳۷۱: ۵۳).

اشاره

در لغت به معنی نشان دادن با دست، چشم و ... و در اصطلاح ادبا، گوینده در قالب الفاظ کم، معنای بسیاری را اراده کند که کلام او همراه با کنایه و رمز است و با وجود اختصار، برای شنونده چیزهای زیادی را بیان کند (ر.ک: همان: ۴۴).

ترجمه

از دیگر شیوه‌های تأثیرپذیری واژگانی، ترجمه است. در این شیوه، شاعر از ترجمه واژه یا ترکیب قرآنی - حدیثی بهره می‌گیرد (ر.ک: راستگو، ۱۳۸۳: ۱۷).

اقتباس

اقتباس «در لغت به معنی «پاره آتش» و «نور گرفتن» است و در علم بدیع، عبارت از آوردن آیه‌ای از قرآن مجید یا حدیث است به گونه‌ای که معلوم باشد هدف اقتباس است نه سرقت و انتحال» (حلبی، ۱۳۷۱: ۵۹).

تمثیل

در لغت به معنی مانند ساختن است. و در اصطلاح اهل ادب، تشبیه چیزی به چیزی یا شخصی به شخصی است تا از آن فایده معنوی حاصل گردد؛ اما اصل مثل از مثال گرفته شده است و آن عبارت است از حال چیز دوم را به چیز اول همانند سازند (ر.ک: همان: ۶۵).

بحث

تلمیح

تلمیح در شعر حسینی، از ابزارهای بلاغی در شناساندن بزرگان دینی، داستان‌های قرآنی و بزرگداشت مقام پیامبران به شمار می‌آید. حسینی، علاوه بر پاسداشت شخصیت‌های دینی، با

استفاده از تلمیحات قرآنی، حالات روحی خود یا توصیف پدیده‌ای دیگر را بیان کرده است. در شعر زیر، حسینی با تلمیح به آیه «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مَلِكٍ لَا يَمُوتُ» (طه/۱۲۰) «فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوَاتُتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» (طه/۱۲۱) ویژگی درونی خود را شرح داده است:

نکردم در محبت کمفروشی برای گندمی، آدمفروشی
(حسینی، ۱۳۹۶: ۲۶)

بیان احوال درونی شاعر و شکوه از مردم زمانه، با بهره‌گیری از تلمیح، صبغه تأکید و تشدید بر خود میگیرد؛ علاوه بر این در اثبات حقانیت شاعر تأثیرگذار است؛ به همین دلیل است که با تلمیح به احوال حضرت ذکریا مطابق در آیه شریفه «قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا» (مریم/۴) و احوال حضرت یعقوب در آیات «فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (یوسف/۱۵) وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ» (یوسف/۱۶) «قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ» (یوسف/۱۷) «وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ» (یوسف/۱۸) به بیان حال خود پرداخته است:

سر من خاکسار آتش شد باد پیچید در کلاه شما
دلو را پر ز خون یوسف کرد لانه گرگ بود چاه شما

(حسینی، ۱۳۹۶: ۲۹۲)

سیدحسن حسینی «در مجموعه هم‌صدا با حلق اسماعیل، به اولین ظلم تاریخی فرزند آدم نسبت به برادر می‌پردازد و از فضای این داستان قرآنی بهره می‌گیرد. فراخوانی او از این حکایت قرآنی به صورت بینامتنی مضمون است که وی تلفیقی زیبا بین داستان کشته شدن هابیل و به چاه افتادن یوسف (ع) برقرار می‌کند؛ دو مظلومی که مورد ظلم برادران خود قرار گرفتند. رابطه‌ای که با حکایت فرزندان آدم آغاز شده و در کنار اشاره صریح اسم «هابیل»، اشاره ضمنی به «هابیل» شده است و در ادامه مقطع، عبارات «بن چاه»، «سفر با برادران» سرگذشت حضرت یوسف (ع) را برای خواننده تیزبین تداعی می‌کند» (حاجی‌زاده و تواضعی، ۱۳۷۱: ۱۱۳).

«با برادرهایم - از تبار قایل/ - به سفر خواهم رفت/ و بن چاه حماقت هاشان/ مرگ را /زندگی خواهم کرد.../ پدرم !! یعقوبم !/ شمع چشمان تو در کنعانت/ با کدامین امید/ پرتو افشان باشد؟/ یوسف پیرهش عریانی است» (حسینی، ۱۳۹۶: ۶۴۵).

۴۰۹

در اشعار حسینی، تلمیح به داستان‌های پیامبران، اغلب برای بیان روزگار خویش و معاصرانش به کار رفته است که مطابق با اندیشه‌های قرآن است؛ این تلمیحات عبارتند از:

داستان سلیمان و دیو: مطابق با آیه شریفه «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَ تَمَاثِيلَ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلًا مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ» (سبا/۱۳).
گفته حافظ است از من نیست دیو در عهد ما سلیمان است
(حسینی، ۱۳۹۶: ۲۰)

داستان سلیمان و هدهد: مطابق با آیه شریفه «وَ تَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ» (نمل/۲۰).

پشیمان نیستم اصلاً پشیمان که رفتم راه با مرغ سلیمان

(همان: ۲۵)

داستان سلیمان و مور: مطابق با آیه «حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (نمل/۱۸).

التماس دعای ایشان نیست ای برادر جز التماس دعا

تو سلیمان شوی و ایشان مور چون بیفتی توی طاس نیاز

(حسینی، ۱۳۹۶: ۱۲۸)

زیبایی یوسف: زیبایی یوسف یکی از پرکاربردترین جنبه‌های داستان حضرت یوسف (ع) در ادبیات فارسی است و مطابق آن، حضرت یوسف در نماد زیبایی به‌شمار می‌آید.

«مردم چشمم/ در انتخابات زیبایی/ به حسن یوسف/ رای داد» (همان: ۷۷).

داستان زنده کردن مرده و شفای بیماران توسط حضرت عیسی: مطابق با آیه «وَ رَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران/ ۴۹).

«بهار مسیحیای فصل‌ها/ درمانده از شفا دادن/ به جیب‌های جذامی» (حسینی، ۱۳۹۶: ۸۹).

عیسی چو رسید خلق مسرور شدند تا زد نفسی، رها از آن گور شدند

(همان: ۶۶)

گلستان شدن آتش بر ابراهیم: مطابق با آیه شریفه «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ
إِبْرَاهِيمَ» (انبیا/۶۹).

از چوب آتش می‌آفریند/ رشک هزار گلستان/ خلیل خاکستر شده‌ما (حسینی، ۱۳۹۶: ۹۱)
رانده شدن آدم از بهشت: مطابق با آیه «فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتَا لَهُمَا
سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَمَا الشَّجَرَةَ
وَأَقُلَّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ» (اعراف/۲۲).

شیطنت کردم به رسم پدر نه چون فرزند ناخلف، هرگز

(حسینی، ۱۳۹۶: ۳۳۶)

«جنایت در چیدن بود/ یا در نچیدن/ و جنایتی عظمی/ در سنبله گره می‌خورد/ یا در سقوط
محتوم سبب؟/ زندگی میدان مجازات بود آیا/ سبب همچنان سقوط می‌کرد/ و آدم/ از چوبه
دار، صعودی ناگزیر داشت/ و حوای گندمگون/ مویه سر می‌داد» (همان: ۴۲۷).

داستان هاروت و ماروت: مطابق با آیه «وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ
سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ
مَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ
بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ
وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»
(بقره/۱۰۲).

از ته چاهی به نام زندگی بازگشتن کار سحر بابل است

(حسینی، ۱۳۹۶: ۳۴۴)

درج

منطبق با این شیوه، گوینده گزاره‌ای یعنی عبارتی قرآنی یا روایی را با همان ساختار عربی
بی‌هیچ گونه تغییر و دگرگونی یا با اندک تغییری که در تنگنای وزن و قافیه از آن گریز و
گزیز نیست، در سخن جای دهد. این گونه بهره‌گیری از قرآن و حدیث با قصد و غرض‌های
گوناگون از قبیل تبرک و تیمن، تبیین و توضیح، تعلیل و توجیه، تشبیه و تمثیل، تحذیر و

تحریر، تزیین و تجمیل، استشهاد و استناد، نکته‌پردازی، فضل‌فروشی، هنرنمایی و ... انجام می‌پذیرد (ر.ک: راستگو، ۱۳۷۶: ۳۰). بازتاب این شیوه در شعر حسینی، مبین توانایی او در بهره‌گیری آهنگین از گزاره‌های قرآنی و آشنایی او با مضامین آیات است؛ به بیانی دیگر، شاعرانی که از درج بهره می‌گیرند، باید علاوه بر آشنایی با مضامین قرآنی، این گزاره‌ها را در قالب وزن شعر خویش دریاورند که در این صورت، زیبایی کلام دوچندان نمایان می‌شود؛ در شعر زیر، آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران/۱۶۹) به صورت گزاره به کار رفته است:

عارفان هم گاه از پشت سر فی سبیل الله خنجر می‌زنند
(حسینی، ۱۳۹۶: ۱۱۴)

بهره‌گیری از این شگرد در کلام حسینی، همراه با ایجاد آوای دلنشین و غنی‌سازی موسیقی است؛ به گونه‌ای که او با توجه به ظرفیت واژگان، از «جناس لفظی» استفاده کرده است و از دو لفظ متجانس «ضلال» و «زالال» که قریب‌المخرج بوده، و در یک حرف اختلاف دارند، استفاده کرده است:

ضلال مبین شبنم را شکست زالال مبینی که در چشم توست
(همان: ۳۲۱)

شعر فوق، مرتبط با آیه «قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (انبیا/ ۵۴) است. در شعر زیر نیز، بخشی از آیه شریفه «وَلَكِنَّ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ لِيَقُولَنَّ كَأَنْ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا» (نساء/ ۷۳) به شکل گزاره استفاده است:

مگو یا لیتنی کنت صمیمی مدار شعر بر لیت و لعل نیست
(حسینی، ۱۳۹۶: ۱۲۲)

حل یا تحلیل

آیه «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ» (صف/ ۱۳)، به صورت حل در بیت زیر آمده است؛ به دلیل اینکه شاعر به دلیل رعایت وزن، مجبور شده است که تغییراتی در ساختار آیه ایجاد کند:

بانگ تکبیر شما، مژده فتحی است قریب تا دژ نصر من الله بود سنگرتان
(حسینی، ۱۳۹۶: ۵۹۱)

در شعر زیر نیز، آیه «وَأُخْرَى تُجِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (صف/ ۱۳) به شکل حل به کار رفته است:

گر جهد کنی و عازم راه شوی
از اوج و نشیب راه آگاه شوی
بر قلعه فتح می‌نشینی تو، اگر
فریادگر نصر من الله شوی

(حسینی، ۱۳۹۶: ۶۹۴)

اشاره

سیدحسن، شاعری است که مبانی اعتقادی در اشعار استوار است و با وجود اینکه صبغه آئینی - مذهبی در اشعارش پررنگ است، می‌توان نوجویی و نوآوری مضامین فکریش را در شبکه ذهنی او دید. پژوهش در زمینه درونگرایی یا برونگرا بودن، شادگرایی یا غمگرایی، خردگرایی یا عشقگرایی مضامین قرآنی می‌تواند بیانگر زمینه‌های بهره‌گیری سیدحسن حسینی از قرآن را روشن سازد و از این طریق می‌توان نگرش او نسبت به مسائلی از قبیل مرگ، عشق، صلح، جنگ و ... را آشکار ساخت. با وجود اینکه در شعر برخی از شاعران، اصلاً فکری مطرح نیست و فقط عبارت‌پردازی و لفاظی است یا تکرار مکررات است، در شعر حسینی ایده‌های نوینی مطرح شده است که اصلاً مسبوق به سابقه نیستند (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۴: ۸۶). سبک فکری حسینی بدین شیوه است که او از مفاهیم قرآنی برای آفرینش مضمون جدید استفاده کرده است و بر مبنای اشاره است. در شعر زیر، کلام بر به آیه شریفه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران/ ۱۶۹). اشاره دارد و عاشق به مبارزی تشبیه شده است که در راه خداوند به شهادت رسیده و جاودانه می‌شود:

محصول من از تگرگ پایان نگرفت
از ریزش بار و برگ پایان نگرفت
با قاتل من، عشق، بگویند بلند
کار دل من ز مرگ پایان نگرفت

(حسینی، ۱۳۹۶: ۵۵)

این اندیشه قرآنی، در شعر حسینی به شکل دیگری نیز انعکاس یافته است:

نشود زمزمه خون شهیدان خاموش
سوز عرفانی این نغمه ز سازی

(همان: ۵۹۹)

حسینی، در شعر زیر، از دل رفتنِ غم را در گرو آمدنِ معشوق دانسته است که در لایه پنهانی آن، مفهوم آیه شریفه «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسرا/۸۱) دیده می‌شود؛ در واقع آمدن معشوق جلوه‌ای حق است که در تقابل با رفتن غم (جلوه باطل) قرار دارد:

باز آ که غم زمانه از دل برود خواب از سر روزگار غافل برود
از آمد و رفت فتنه‌ها بسی دلتنگیم ای جلوه حق بیا که باطل برود

(حسینی، ۱۳۹۶: ۲۲۱)

در اینگونه از اشعار، آیه‌های قرآنی، با هدف استوار ساختن کلام به کار می‌رود و شاعر با اشاره به قرآن کریم، در پی اثبات حقانیت اندیشه خویش است. دگرسازی مضامین و بهره‌گیری از اندیشه‌های قرآنی به طرز نو، به اشعار حسینی برجستگی خاصی بخشیده است که در قالب تأثیرپذیری اشاره‌ای آشکار است. در شعر زیر، شاعر با استفاده از آیه «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق/۵۰) دل را جایگاه خداوند معرفی کرده است:

دتر به مقابل و قلم در دستم در نیم‌شبی خیال او میبستم
گفتم که خدا کجاست در گوش دلم آهسته کسی گفت من اینجا هستم

(حسینی، ۱۳۹۶: ۳۹۰)

در برخی از موارد، دریافت معنایی بین شعر و آیه قرآن، دشوار است که این امر، بیانگر توانایی شاعر در بهره‌گیری پنهان از قرآن است؛ همچنین تداعی این آیات می‌تواند با توجه به سابقه ذهنی شاعر، در ناخودآگاه شاعر شکل بگیرد. به عنوان نمونه، حسینی با الهام از آیه «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد/۴) شاعر زیر را سروده است:

آن دست که در کویر غم کشت مرا با حسرت جاودانه آغشت مرا
بر چین و چروک روح من خرده خطاط ازل شکسته بنوشت مرا

(حسینی، ۱۳۹۶: ۴۳)

همچنین، بنیاد شعر زیر، بر پایه همان آیه است:

دست تو از روز ازل زد رقم بهر دلم درد، برای ابد دگرست

(همان: ۳۲۴)

در شعر زیر نیز، شاعر با الهام‌گیری از داستان حضرت یوسف و برادرانش، از برادری‌های ظاهری انتقاد کرده است و از آن‌جایی که شاعر نشانه‌ای آشکار از ماجرای حضرت یوسف برجای نگذاشته است، نمی‌توان آن را اثرپذیری تلمیحی نامید:

زنهار برادرا که خامت نکنند با وسوسه رخنه در مرامت نکنند
این مدعیان غلام خصم‌اند همه مگیر هش دار که چون خویش غلامت نکنند

(حسینی، ۱۳۹۶: ۱۴۶)

حسینی، در آثار خویش اگرچه بیش از هر آیه‌ای به آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَرِّقُونَ» (آل‌عمران/۱۶۹) اشاره کرده است، ولی در اغلب موارد، این اشارات آشکار بوده است:

در این عرصه با یار بودن خوش است به رسم شهیدان سرودن خوش است
بیا در خدا خویش را گم کنیم به رسم شهیدان تکلم کنیم

(حسینی، ۱۳۹۶: ۶۱۳)

ترجمه

بهره‌گیری از ترجمه واژگان، علاوه بر تفکر قرآنی شاعر، بیانگر توانایی او در پارسی‌سازی و تقویت زبان پارسی است. حسینی، با بهره‌گیری از این روش، علاوه بر ایجاد پویایی در ذهن قرآنی مخاطب، بر جنبه بلاغی و زیباشناختی واژه‌ها نیز نظر داشته است؛ به عنوان نمونه، در شعر زیر، با بهره‌گیری از آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب/۷۲) «نادان» را به صورت کنایی (کنایه صفت از موصوف) در معنای «انسان» به کار برده است.

این بساط که نامش امکان است جایگاه ظلوم نادان است

(حسینی، ۱۳۹۶: ۲۰)

همچنین، این صفت کنایی در شعر زیر به کار رفته است؛ علاوه بر «نادان»، در شعر زیر، ترکیب «بهشت برین» ترجمه‌ای از آیاتی همچون «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ... وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره/۲۵) است:

نادان ولی بهشت برین است روزی‌اش محنت نصیب شردمه بدنهاد نیست

(حسینی، ۱۳۹۶: ۱۶)

از سایر واژه‌های قرآنی که ترجمه آن در اشعار حسینی آمده است، می‌توان اشاره کرد به: دوزخ: برگرفته از آیه «وَلَكِنَّ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (سجده/۱۳).

«اگر جای تو بودم/ به مردان دوزخی/ اجازه می‌دادم/ حال اهل بهشت را گه گاه بپرسند» (حسینی، ۱۳۹۶: ۳۴).

«و اقیانوس بی‌سابقه‌ای/ صدایم را صیقل داد/ و بهشت/ برای نخستین بار/ دوزخ تنهایی‌ام را بلعید» (حسینی، ۱۳۹۶: ۴۱۳).

رستاخیز: برگرفته از آیه «وَقَالَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبُعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبُعْثِ وَلَكِنَّا كُنَّا لَا تَعْلَمُونَ» (روم/۵۶).

«نمی‌توان/ زمان رستاخیز را پرسید/ و/ پوزخند نشنید» (حسینی، ۱۳۹۶: ۴۲۰).

علاوه بر ترجمه واژگانی، حسینی، آیات قرآنی را نیز به شکل آزاد ترجمه است و ذهن پویای شاعر، به او این امکان را داده است که آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل‌عمران/۱۶۹) را به حالت‌های مختلف ادبی ترجمه کند و توأمان، علاوه بر ادای معنی مفید، جنبه ادبی کلام نیز حفظ شود:

نخشکد ساقه خون شهیدان که نیلوفر ز نسل پیچ و تاب است

(حسینی، ۱۳۹۶: ۲۸۶)

«تو با آب/ زنده می‌شوی/ و در بیشه بادها/ آتش می‌افروزی/ تو از کودکی‌های من/ شهید بودی/ ای که جادوی نامت/ جاودانه است» (همان: ۴۳۶).

آنان که حلق تشنه به خنجر سپرده‌اند آب حیات از لب شمشیر خورده‌اند

روزی‌خواران سفره عشقند تا ابد ای زندگان خاک مگویند که مرده‌اند

(همان: ۵۹۲)

اقتباس

حسینی، با توغل در قرآن کریم، از واژه‌های قرآنی، به شکل اقتباس در اشعار خویش بهره برده است. واژه‌های قرآنی مطرح در شعر حسینی، اغلب تداعی‌گر مفهوم و تصویری فراتر از واژه است و به حادثه‌ای ذهنی یا کنشی خاص اشاره دارد که مخاطب با اوصاف و چگونگی آن آشنایی دارد. در نمونه زیر، شاعر با اشاره به آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

وَالْجِبَالِ فَآتَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب/۷۲)
واژه قرآنی «امانت» را به کار برده است:

در فرود از آسمان به دست خاک
چون امانتی سپرده می‌شدیم
آسمان دوباره می‌ستاندمان
سوی اصل خویش برده می‌شدیم
(حسینی، ۱۳۹۶: ۱۵۳)

این واژه قرآنی که اغلب به شکل ترکیبی «بارِ امانت» در ادب فارسی به کار رفته است، در شعر حسینی، چندین تکرار شده است:

«شاعری بار امانت نتوانست کشید/ تکیه بر بالشی از عرفان داد/ تاجری اهل سلوک/ با سلاح خودکار/ پای منقل جان داد» (همان: ۵۱۱).

یکی از نوآوری‌های قرآنی حسینی، واژه‌سازی است که بر پایه واژه یا داستان قرآنی ساخته می‌شود؛ به عبارتی دیگر، حسینی با بهره‌گیری از واژه‌ها و ترکیبات قرآنی به شکل اقتباس، به واژه‌سازی پرداخته است که در شعر زیر، واژه «امانت‌واره» با توجه به آیه فوق ساخته شده است:

سوای دوستی با ماسوایت است
خداوندا خداوندا چه کردیم
امانت‌واره‌ای همراه ما بود
ز خاطر برده‌ایم آن را چه کردیم
(حسینی، ۱۳۹۶: ۲۸۸)

سایر واژه‌های قرآنی که در شعر حسینی، به شکل وام‌گیری به کار رفته است، عبارتند از:
ظلوم: اشاره به آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب/۷۲).

آن قوم که شهره در ظلومی شده‌اند
از روزنه رابطه‌های مخصوص
از ره نرسیده خویش و بومی شده‌اند
مسئول روابط عمومی شده-
(حسینی، ۱۳۹۶: ۱۴۰)

لاتخف: برگرفته از آیه قرآنی: «وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُونَكَ وَأَهْلِكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَأَنْتَ مِنَ الْعَابِرِينَ» (عنکبوت/۳۳).

گوش دشنام خورده‌ام نشنید
غیر فرمان لاتخف هرگز
زیر گوش دلم ولی گفتم: خرگوش‌اند
بی‌طرف باش، بیشرف هرگز

(حسینی، ۱۳۹۶: ۳۳۷)

بئس المهاد: برگرفته از آیه قرآنی «قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَعْتٌ لَّيِّنٌ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ» (آل عمران/۱۲).

فرجام انتقاد ز ذات جلالی‌اش
چیزی به جز قباله بئس المهاد نیست

(حسینی، ۱۳۹۶: ۱۶)

قیامت: این واژه، از مهم‌ترین واژه‌های قرآنی است که بخشی از اعتقادات دینی مسلمانان بر مبنای آن شکل گرفته است و در قرآن کریم، سوره‌ای با این نام وجود دارد که با قسم به قیامت شروع شده است: «لَا أَقْسِمُ بِبِئْسَ الْقِيَامَةِ» (قیامت/۱).

چراغان نگاهت تا قیامت
قدم در خانه جان می‌گذارد

(حسینی، ۱۳۹۶: ۲۰۲)

مطلع فجر: برگرفته از آیه «سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ» (قدر/۵).

شب شیشه عمر دیو بدطینت شد
در مطلع فجر شیشه بر سنگ زدند

(حسینی، ۱۳۹۶: ۶۷۸)

روح القدس: برگرفته از آیه «قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل/۱۰۲)

«سال‌هاست / از فیض روح القدس خبری نیست / کسی به زنده کردن دل‌ها / کمر نبسته / و جذام / ریشه در روان‌های آواره دوانده» (حسینی، ۱۳۹۶: ۲۵۶).

ارجعی: برگرفته از آیه «ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً» (فجر/۲۸).

آن خاطره سرخ که از یاد گذشت
با خرقة آتش از دل باد گذشت
زین کرد به بانگ ارجعی باره شوق
از حنجره باد چو فریاد گذشت

(حسینی، ۱۳۹۶: ۶۸۸)

تمثیل

زیبایی و لذت نهفته در تمثیل، سخن را با تأثیری بیشتر و عمیق‌تر به شنونده می‌رساند و پیام هنرمند آن چنان که او می‌خواهد در برانگیختن عواطف شنونده اثر

می‌بخشد و اگر چنان نباشد، سخن، رنگ شعر به خود نمی‌گیرد و گوینده هنرمند به شمار نمی‌آید (ر.ک: ثروتیان، ۱۳۷۷: ۴۰). کاربرد تمثیل با بهره‌گیری از مضامین قرآنی، یکی از ابزارهای آفرینش صورت خیال در شعر حسینی است که در خدمت معنا بوده، و به شرح و بسط اندیشه کمک کند. در بیت زیر، با بهره‌گیری از آیه شریفه «وَجَاءُوا عَلَىٰ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ» (یوسف/۱۸) به شکل تمثیلی، معشوق خود را به یوسف تشبیه کرده است:

سخت می‌ترسم تبه سازند آخر، یوسف نابرا درهای کنعان، نکهت پیراهنت را

(حسینی، ۱۳۹۶: ۲۹۸)

همچنین در شعر زیر، با بهره‌گیری از آیات «قَالَ يَا بَلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ لَسَّجِدِينَ» (حجر/۳۲) «قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِشَيْءٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ» (حجر/۳۳) و تصویرآفرینی شاعرانه، دل به شیطان تشبیه شده، که حاصل نگرش تمثیلی شاعر است:

گرچه من از دودمانِ آدمم من سجده می‌آرم به شیطان دلت

(حسینی، ۱۳۹۶: ۳۰۲)

در شعر زیر، شاعر با بهره‌گیری از آیه «فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَىٰ الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ» خود (قصص/۲۹۹) خود را به موسی و معشوق را به طور تشبیه کرده است؛ سپس با تمثیل به مضامین قرآنی، معشوق را به محشری تشبیه کرده است که سبب برانگیختن او می‌شود:

به سوی دو کانون آتشفشان چو موسی روانم که طورم تویی

اگر محشری زودرس بی‌دریغ برانگیخت از عمق گورم تویی

(حسینی، ۱۳۹۶: ۳۳۱)

از مهم‌ترین برجستگی‌های سبکی حسینی در بهره‌گیری از آیات قرآنی، نوآوری تمثیلی و استفاده از زبان عامیانه در توصیف است؛ به گونه‌ای که برای عینی کردن امور انتزاعی، از زبان و کارهای عامیانه استفاده می‌کند. در شعر زیر، با استفاده از آیات «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا آنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ» (مومنون/۱۰۱) «فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

(مومنون/۱۰۲) «وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ»
(مومنون/۱۰۳) سرودن شعر را به شکل تمثلی، به جهنم تشبیه کرده است:

«عضلات خشکیده/ روح/ تنبلی ذهن/ و واژه‌های کرخ/ با ماهیچه‌های خورده و خوابیده/
دیدار دوباره/ با جهنم شعر/ و عذابی شیرین/ و موکلی ناپیدا/ که عصاکشان/ از دور می‌رسد/
برافراشتن میزان/ و هندسه هولناک حسابرسی/ و تقابل کفه‌ها/ و تلاطم امواج خسران و
حسرت/ آه اگر نام باوقارت/ به داد پله‌های تهی نرسد» (حسینی، ۱۳۹۶: ۴۳۹).

در شعر زیر نیز، حسینی برای آفرینش تصویر تمثیلی از «أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَ رَعْدٌ وَ بَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَ اللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ»
(بقره/۱۹) بهره گرفته است:

«ای بامداد/ ای کرده کاوه‌های زمان را/ در عصر ماردوش/ یاوه قلمداد/ اینک در این طلیعه
خونبار/ انگشت موش‌های تجاهل را/ از دخمه گوش/ برون آ» (حسینی، ۱۳۹۶: ۶۱۷).

در شعر زیر نیز، حسینی با بهره‌گیری از آیه شریفه آیه «وَتَفِخْ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ» (یس/۵۱) «فَالْوَا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ» (یس/۵۲) «إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ» (یس/۵۳) زندگی را به بازی فوتبال، مرگ را به دروازه، انسان را به توپ و اسرافیل را به داور مانند کرده است:

«بدون استراحت/ رسیدن به نیمه دوم زندگی/ و دویدن بی‌انقطاع/ برای چیرگی بر خویش/
و مرگ/ دروازه‌ای که همیشه باز است/ در زمینی که به تمامی، عرصه خطاست/ و تو/ توپی
که کاشته می‌شوی/ و نیز ضربه پای فراموشی/ و فرود/ آن سوی ناکجای خاموشی/ کنار خط
قیامت/ کسی در سوت خویش می‌دمد/ و بالهایش را/ چنان تکان می‌دهد/ تماشاچیان را باد
می‌برد/ پایان بازی رفت» (حسینی، ۱۳۹۶: ۴۶۲).

گنجینه طوفان دل دریایی ماست
آئینه حق روح معمایی ماست
چون غنچه صبح گرچه دلتنگ غمिम
خورشید ره‌آورد شکوفایی ماست

(حسینی، ۱۳۹۶: ۳۸۲)

در شعر زیر نیز - که در مذمت دوستی‌های امروز سروده شده است- شاعر با تلمیح به داستان قرآنی حضرت یوسف (ع) و نظر به جنبه تمثیلی آن، شعر خود را به یوسفی تشبیه کرده

است که در چاه افتاده است؛ در حالی که دوستان دروغین به عزت و بزرگی رسیده‌اند.

یوسف شعر ما مقنی شد به عزیزی رسید چاه شما

(حسینی، ۱۳۹۶: ۱۳۲)

این بیت، با دو آیه زیر در ارتباط است:

✓ «فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَن يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَةِ الْجُبِّ» (یوسف/۱۵).

✓ «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا

نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف/۱۵).

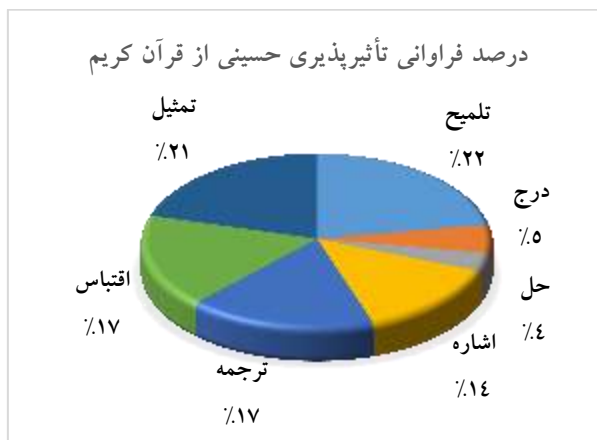
در شعر زیر نیز، علاوه بر تلمیح به معجزه دست تابان حضرت موسی، «بیضا» اثرپذیری تمثیلی دارد؛ از سویی دیگر، بنیاد سخن بر تمثیلی از آیه قرآنی «اسْأَلْكَ يَدَكَا فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» (قصص/۳۲) استوار است:

موسی ید بیضا ز بغل کرد برون گوساله پرستان زمان کور شدند

(حسینی، ۱۳۹۶: ۶۶)

آمار

در این بخش، با بهره‌گیری از نمودار، به بیان درصد فراوانی تأثیرپذیری حسینی از قرآن کریم پرداخته شده است.



نتیجه‌گیری

قرآن، مهم‌ترین منبع تأثیرپذیری سیدحسن حسینی است. او به عنوان «سیدالشعراى شعر انقلاب» توجه ویژه‌ای به قرآن دارد و اشعار او در سیطره نفوذ و اثرگذاری قرآن است. این رویکرد قرآنی، می‌تواند علاوه بر اصول اخلاقی و قرآن‌مداری، بیانگر نوآوری ادبی و تشخیص

سبکی باشد. حسینی از مفاهیم قرآنی در تصویرپردازی، صرفاً به عنوان ابزار مطرح نیست؛ بلکه از آن، در جهت تقدس بخشیدن به اشعار استفاده کرده است و با بهره‌گیری از مفاهیم قرآنی در تصویرآفرینی، علاوه بر ایجاد التذاذ ادبی، به آن تقدس بخشیده است. او با بهره‌گیری از مفاهیم قرآنی، سعی در اثبات حقانیت اندیشه خود را دارد؛ لذا مفاهیم قرآنی، استشهادی برای بیان عقاید شاعر است. هرچند بیشترین حجم اثرپذیری حسینی از قرآن کریم، در سطح واژگان است؛ از سویی دیگر، اثرپذیری واژگانی، به استعمال ساده واژگان قرآنی محدود نمی‌شود، بلکه حسینی، این واژگان را بیشتر در قالبی هنری با اهداف زیبایی‌شناختی به کار برده است؛ بنابراین، به کارگیری مفاهیم و اندیشه‌های قرآنی، شعر حسینی را نه فقط دچار تکلف نکرده، بلکه به زیبایی آن افزوده است. اما با بررسی اشعار او می‌توان گفت که او از آیات قرآنی بیشتر به شکل تلمیح برگرفته است. انواع دیگری نظیر اقتباس کاربرد فراوانی دارد. از نظر فکری، قرآنی، مضمون شهادت بیشترین کاربرد را دارد. با توجه به تمثیل می‌توان گفت که تشبیه مهم‌ترین عنصر تخیل در اشعار قرآنی حسینی است که در اختیار غنای عاطفه قرار گرفته است و شاعر با مهارت خاص و ظرافت‌های ویژه ادبی، مفاهیم قرآنی را در بافت هنری کلام ادغام کرده است و در این مسیر از تشبیه به شکل تمثیل، برای بیان شدت احوال درونی خود و عینی کردن امور انتزاعی استفاده کرده است. اشاره نیز در سبک قرآنی حسینی جایگاه ویژه‌ای دارد و حسینی با تلمیح به آیات، زبان را ابزاری برای انتقال عاطفه و احساس قرار داده است. واژه‌سازی مطابق با اندیشه قرآنی، نوآوری به‌شمار می‌آید. او واژه‌های همچون «امانتواره» را وارد زبان شعر کرده است؛ همچنین باید اشاره کرد که در شعر حسینی تضمین به کار نرفته است.

منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

آقا تهرانی، میرزا جواد، حسینی مجاهد، سیدمهدی (۱۳۸۸) تفسیر مصباح الهمدی، با مقدمه علمامه حکیمی، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع).

حسینی، سیدحسن (۱۳۹۶) مجموعه کامل شعرها، تهران: نشر آبی.

حلبی، سید علی‌اصغر (۱۳۷۱) *تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی*، تهران: انتشارات اساطیر.

ثروتیان، بهروز (۱۳۷۷) *بیان در شعر فارسی*، تهران: برگ.

راستگو، محمد (۱۳۸۷) *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*، تهران: سمت.

شمیسا، سیروس (۱۳۷۴) *سبک‌شناسی*، تهران: فردوس.

غلامرضایی، محمد (۱۳۷۷) *سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو*، تهران: جامی.

نادمی، احمد (۱۳۸۷) *شمشیر باستانی شرق با خاطره شاعر حماسه‌ها و دریغ‌ها سیدحسن حسینی*، تهران: هنر رسانه‌ای.

مقالات

بیات، موسی، عدالتی‌نسب، علی، تنگستانی، معصومه. (۱۳۹۳). *بینامتنی قرآنی در شعر سید*

حسن حسینی. همایش ملی بینامتنیت (التناصر)، ۱(۲)، ۴۵-۶۱.

حاجی‌زاده، مهین، تواضعی، رضا. (۱۳۹۶). *بررسی تطبیقی سرچشمه‌های اجتماعی شعر امل دنقل و سید حسن حسینی با تکیه بر نظریه ساختارگرای تکوینی گلدمن*. *مطالعات تطبیقی*

فارسی و عربی، ۲(۳)، ۸۵-۱۱۸.

حجت، محمد. (۱۳۸۷). *اثرپذیری دیوان صائب تبریزی از قرآن کریم*. *فصلنامه مطالعات*

ادبیات تطبیقی، ۲(۶)، ۸۹-۱۰۴.

صادقی، معصومه. (۱۳۹۷). *سبک‌شناسی لایه واژگانی سروده‌های پایداری سیدحسن*

حسینی. *فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس*، ۴(۲)، ۸۷-۱۱۲.

عربی، فرشاد. (۱۳۸۹). «تجلی قرآن و حدیث» در گلشن راز شیخ محمود شبستری بررسی

شواهدی از اقتباس، تضمین و تلمیح. *فصل‌نامه علمی عرفانیات در ادب فارسی*، ۲(۵)، ۱۰۶-۹۳.

References

Books

The Holy Quran.

Agha Tehrani, Mirza Javad, Hosseini Mujahid, Seyyed Mehdi (2008) *Tafsir Misbah al-Hadi*, with an introduction by Allama Hakimi, Qom: Imam Reza Institute of Islamic Education.

Gholamrezaei, Mohammad (1998) *Persian poetry stylistics from Rudaki to Shamlu*, Tehran: Jami.

Halabi, Seyyed Ali-Asghar (1992) *The Influence of Quran and Hadith in Persian Literature*, Tehran: Asatir Publications.

Hosseini, Seyyed Hasan (2016) *The Complete Collection of Poems*, Tehran: Abi Publishing.

۴۲۳ Nadmi, Ahmed (2007) *The ancient sword of the East with the memory of the poet of epics and hesitations Seyyed Hasan Hosseini*, Tehran: Media Art.

Rastgo, Mohammad (2008) *Manifestation of Qur'an and Hadith in Persian Poetry*, Tehran: Samt.

Sarvatian, Behrouz (1998) *Expression in Persian Poetry*, Tehran: Barg.

Shamisa, Siros (1995) *stylistics*, Tehran: Ferdous.

Articles

Arabic, Farshad. (2010). "The Manifestation of the Qur'an and Hadith" in Golshan Raz Sheikh Mahmoud Shabastri, examining the evidence of adaptation, guarantee and allusion. *Scientific Quarterly of Mysticism in Persian Literature*, 2(5), 93-106.

Bayat, Musa, Adalati Nasab, Ali, Tangestani, Masoumeh. (2013). Quranic intertextuality in Seyyed Hasan Hosseini's poetry. *National Conference on Intertextuality (Altanas)*, 1(2), 45-61.

Hajizadeh, Mahin, Toveri, Reza. (2016). A comparative study of the social origins of the poetry of Amal Dangul and Seyyed Hasan Hosseini based on Goldman's developmental structuralist theory. *Comparative Persian and Arabic Studies*, 2(3), 85-118.

Hojjat, Mohammad. (2008). The effectiveness of Diwan Saeb Tabrizi from the Holy Quran. *Comparative Literature Studies Quarterly*, 2(6), 89-104.

Sadeghi, Masoumeh. (2017). The stylistics of the lexical layer of Seyyed Hasan Hosseini's poems of sustainability. *Scientific Quarterly of Holy Defense Studies*, 4(2), 87-112.

Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts
(Dehkhoda)

Volume 14, Number 53, Fall 2022, pp. 402-424

Date of receipt: 5/12/2021, Date of acceptance: 26/1/2022

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2022.1946541.2371](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1946541.2371)

Tricks of influencing Seyed Hassan Hosseini from the Holy Quran

Hassan Ghasem Zadeh Ebeli¹, Dr. Khodabakhsh Asadollahi², Dr. Mohammad Reza Shad Menamen³

Abstract

The study of literary works in terms of influence is an approach to intertextual discovery and cognition; Cognition that reveals the prominence of the artist's style, and context. Seyed Hassan Hosseini's various uses of the Holy Quran indicate his familiarity with various techniques of influence. Hosseini in the use of the Holy Quran, in addition to being influenced by various techniques, has innovation and intellectual cohesion, and word formation and bringing new combinations are among the prominent features of Quranic poems. Hosseini has enriched it with innovation in language, and has given it a new meaning by using familiar words in a new dimension of sentence structure. Words and phrases in Hosseini's poetry are considered as a tool for expressing thought and his goal is to induce transcendent concepts; Consequently, the use of the Holy Qur'an, in addition to its artistic and rhetorical aspect, in order to prove the belief, to express the inner state, is to sanctify one's poem. Hosseini has benefited the most from the implicit impact.

Keywords: Holy Quran, Seyed Hosseini, translation effectiveness, allusion, insertion.

¹ . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran. hasanghasemzadehebli@gmail.com

² . Professor of the Department of Persian Language and Literature, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran. (Corresponding author). kh.asadollahi@gmail.com

³ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran. m.shad@aukh.ac.ir

